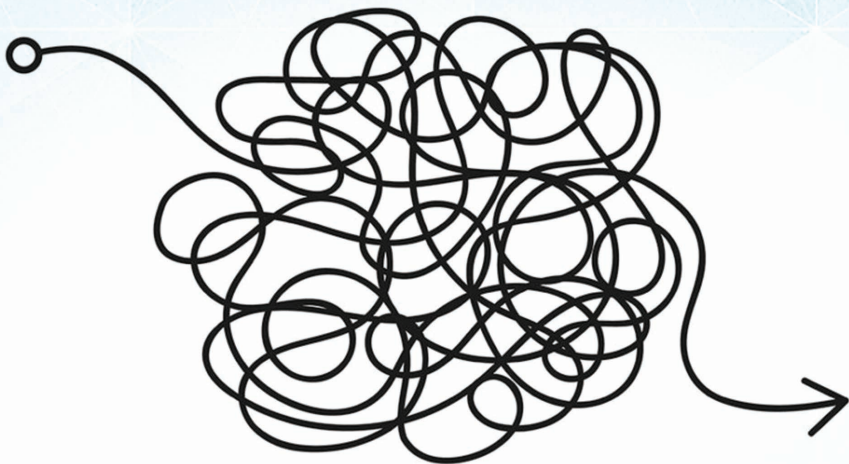




# گفتان سیاسی فریختان

تحلیل امام خامنه‌ای نسبت به مشکلات جمهوری اسلامی  
و نحوه موضع‌گیری روحانیت





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الحمد لله رب العالمين

**تحلیل امام خامنه‌ای**  
**نسبت به مشکلات جمهوری اسلامی**  
**و نحوه موضعگیری روحانیت در قبال این مشکلات**

کاری از رسانه حوزوی مناهج



 @Manahejj

تابستان ۱۳۹۹



## فهرست

|         |                                                               |
|---------|---------------------------------------------------------------|
| ۵.....  | مقدمه.....                                                    |
| ۷.....  | لزوم تحصیل بصیرت سیاسی.....                                   |
| ۹.....  | دو عنصر برای داشتن موضع گیری صحیح نسبت به انقلاب.....         |
| ۹.....  | الف) جمع بندی نقاط مثبت و منفی.....                           |
| ۱۱..... | ب) داشتن موضع بین نظام اسلامی و دشمنانش.....                  |
| ۱۵..... | نور جمهوری اسلامی در ظلمات ارض.....                           |
| ۱۶..... | تخلفات به کلیت نظام صدمه نزده است.....                        |
| ۱۷..... | بعثت جمهوری اسلامی در دل جاهلیت دنیا.....                     |
| ۲۰..... | انتقادی که مشت به قلب رهبری است.....                          |
| ۲۱..... | همگی در قبال مشکلات جمهوری اسلامی موظفیم.....                 |
| ۲۲..... | متن را فدای حاشیه نکنیم.....                                  |
| ۲۳..... | شناخت زبان و نیاز مخاطب به ویژه جوانان.....                   |
| ۲۴..... | ضرورت بصیرت و دشمن شناسی برای روحانیت.....                    |
| ۲۵..... | ضرورت کسب بصیرت برای مبلغان.....                              |
| ۲۷..... | شجاعت، هوشیاری و بصیرت سیاسی؛ از نیازمندی های مرزبانی.....    |
| ۲۹..... | نمونه ای از تلاش دشمن برای سوء استفاده از عالم بی بصیرت.....  |
| ۳۲..... | لزوم مقابله ی روحانیت با توطئه ی نفوذ دشمن در ذهن جوانان..... |

- ۳۳..... ضرورت موضع‌گیری حوزه در برابر استکبار
- ۳۴..... شناخت اقدامات مفید برای دشمن؛ از مهمترین نمونه‌های بصیرت
- ۳۵..... دلیل افزایش دشمنی‌ها؛ وجود حاکمیت اسلام در ایران

## مقدمه

امروز که مردم با مشکلات زیادی به لحاظ اقتصادی روبرو هستند، انتقادهایی نسبت به حاکمیت، دولت و نظام جمهوری اسلامی دارند. اما کدام یک از این انتقادهای و اشکالات صحیح است؟ وظیفه مبلغان در برابر مردم چیست؟ آیا باید با مردم همراهی کنند، یا اینکه باید امیدواری ایجاد کنند؟ اشکالات را توجیه کنند یا کاملاً بپذیرند؟ در برابر این انتقادات، چه پیشنهادی می‌توانند داشته باشند؟

جواب این سوالات را می‌توانید در بیانات امام خامنه‌ای بخوانید. ایشان در جلساتی که با طلاب و روحانیت داشتند، این موضوع را کاملاً تبیین کرده و تکلیف روحانیت را مشخص می‌کنند.



## لزوم تحصیل بصیرت سیاسی

**دید سیاسی و بینش سیاسی لازم دارید.**

بسیاری از سیاسیون خودمان؛ همین سیاسیونِ پاکدل که همه جا هستند -در شهرها هستند، در مطبوعات هستند، در مجلس هستند، در گوشه و کنار و زوایای دولت هستند- گاهی خطاهای بزرگی انجام می‌دهند که علت آن این است که با نگاه کلان به مسائل سیاسی کشور و دنیا نگاه نمی‌کنند؛ با نگاه خُرد و ریز نگاه می‌کنند. باید با نگاه کلان به مسائل نگاه کرد.

گاهی شما می‌بینید از آن طرف مرزها به وسیله‌ی رسانه‌های قوی، شعاری را در دامن من و شما پرتاب می‌کنند و ما وقتی این شعار را نگاه می‌کنیم، می‌بینیم بد نیست و عیبی ندارد. لذا بنا می‌کنیم به تکرار و گفتن همین شعار؛ غافل از این‌که پرتاب کننده‌ی این شعار، یک نقشه کشیده و این نقشه دارای ده جزء است؛ یک جزء آن همین چیزی است که در دامن شما پرتاب کرده، یک جزء آن را هم یک جای دیگر پرتاب خواهد کرد، یک جزء آن را هم طور دیگری تأمین خواهد نمود. مجموع اینها نقشه‌ای را به وجود می‌آورد که اگر الان آن نقشه را به شما نشان دهند، وحشت می‌کنید؛ نابودی اسلام، نابودی جمهوری اسلامی.

وقتی نگاه کلان نباشد، این‌طور اشکالات پیش می‌آید. اختلاف سلیقه‌هایی که شما گاهی می‌بینید در مجلس و جاهای دیگر به وجود می‌آید و نقطه‌ی

مقابلِ هم حرف می‌زنند و چون تریبون عمومی است، بیشتر از همه‌جا مورد توجه قرار می‌گیرد - البته بعضی‌ها مریضند و باید آنها را علاج کرد؛ بعضی‌ها دشمنند؛ بنابراین بحثشان اختلاف سلیقه نیست؛ «قد بدت البغضاء من أفواههم و ما تخفی صدورهم اکبر»<sup>۱</sup> - به خاطر اختلاف مبنایی نیست؛ به علّت تشخیص یک امر جزئی است؛ به دلیل مصداقی است که آن را بریده و منقطع از اجزای دیگرش دیده‌اند. لذا درباره‌ی آن اشتباه می‌کنند. پس طلبه و روحانی ما باید سیاست را بشناسد؛ آن‌هم با نگاه کلان ببینید.<sup>۲</sup>

---

۱ سوره آل عمران، آیه ۱۱۸

۲ بیانات ۲۵ آذر ۱۳۸۲

## دو عنصر برای داشتن موضع گیری صحیح نسبت به انقلاب<sup>۳</sup>

امروز موضع گیری ها چیست؟ یک عده به جمهوری اسلامی اعتراض می کنند؛ چون در فلان جا و فلان جا و فلان جا بد عمل کرده است. انسان نگاه می کند، می بیند راست می گویند؛ در این ده جایی که آنها می شمردند، جمهوری اسلامی واقعاً خوب عمل نکرده، یا ضعیف عمل کرده، یا غلط عمل کرده، یا یک نفر غرض ورزی کرده است. کسی که این ده نقطه را پیدا کرده، ممکن است به خودش حق بدهد که با این ده اشتباه به این بزرگی، دیگر چه تعهدی در مقابل این جمهوری اسلامی دارد. خطا اینجاست. گفت: «سخن شناس نه ای دلبر، خطا این جاست». خطا اینجاست که شما باید موضع گیری را نسبت به جمهوری اسلامی بر دو اصل حتمی استوار کنید:

### الف) جمع بندی نقاط مثبت و منفی

اصل اول، جمع بندی؛ یعنی بگردید ببینید این «جمهوری مظلوم» بالاخره نقطه ی مثبتی هم دارد یا نه؟ اگر خدا کمکتان کرد و آن نقاط مثبت را پیدا کردید، آنها را کنار نقاط منفی بگذارید و ببینید آیا وزن اینها یکی است؟ خواهید دید وزن نقاط مثبت هزار برابر وزن نقاط منفی است. بنده آدمی

نیستیم که منکر نقاط منفی شوم؛ نه، خیلی از نقاط منفی را شما نمی‌دانید، من می‌دانم؛ به خاطر اطلاعات بیشتری که دارم.

سعی هم می‌کنیم این نقاط منفی را علاج کنیم؛ اما مسأله بالاتر از این حرف‌هاست؛ مسأله‌ی آمدن اسلام به میدانی است که پیغمبر خدا می‌خواست آن را به آن میدان بیاورد و آورد، و تمام انبیای الهی از اوّل تا آخر تلاش کردند آن را به میدان بیاورند؛ یعنی میدان اداره‌ی زندگی جوامع بشری. جمهوری اسلامی بعد از قرن‌ها، بعد از این همه سرکوفت‌ها و کارشکنی‌ها، بعد از این همه نقشه‌های استعماری، بعد از میلیاردها دلار که دشمنانش خرج کردند، با یک حرکت عنیف و بزرگ و خطرناک و فداکارانه توانسته این بنا را سر پا کند.

آنها این فکر را نمی‌کنند که اگر العیاذ بالله این بنا بنشیند و فرو بخوابد - که البته چنین نخواهد شد - حرکت و حیات و نشاط اسلام و حاکمیت معارف اسلامی و اهداف اسلامی قرن‌ها عقب خواهد افتاد. امیرالمؤمنین علیه الصّلاة والسلام طبق نهج البلاغه فرمود: «ولقلّما شیءٌ أدبر ثمّ أُقبل»؛<sup>۴</sup> وقتی این آب از جوی افتاد، برگرداندنش حالا حالاها طول می‌کشد. انقلاب ما محصول یک حرکت پانزده ساله‌ی روحانیت و مردم نبود؛ این ضربه‌ی آخر بود. انقلاب ما محصول قرن‌ها تلاشِ مخلصانه‌ی علمای شیعی و حضورشان

---

۴ نهج البلاغه، خطبه ۱۶

در صحنه‌های حسّاس بود. «میرزای شیرازی» در انقلاب ما نقش داشت، «آخوند خراسانی» نقش داشت، «میرزا محمد تقی شیرازی» نقش داشت، مرحوم «آقا سید عبدالحسین لاری» نقش داشت، «سید جمال» نقش داشت، هر کدام از علمای بزرگ نقش داشتند. هر روحانی پارسا و پاکدامنی که در گوشه‌ی مسجدی در فلان شهر یا در فلان روستا، بیست سال، سی سال را با امانت و طهارت زندگی کرد و مردم را به روحانیت معتقد کرد، در این انقلاب نقش داشته است. چنین انقلابی مگر شوخی است؟ این انقلاب با این ذخیره‌ی عظیم به وجود آمده؛ می‌خواهند این را خراب کنند. خیال می‌کنند شاخ گول را شکسته‌اند: فلان جا اشکال دارد، رادیو و تلویزیون چنین است، اقتصاد چنان است، فلانی چنان است؛ پس جمهوری اسلامی چنین است! مگر این مقایسه درست است؟ این بر اثر عدم دیدِ کلان است. بنابراین اولین نکته این است که انسان در مقایسه باید دیدِ کلان داشته باشد. در واقع برآیند خوبی‌ها و بدی‌ها می‌تواند منشأ قضاوت قرار گیرد.

## **ب) داشتن موضع بین نظام اسلامی و دشمنانش**

نکته‌ی دوم این است که ملاحظه شود امروز در دنیا جبهه‌بندی بین کی و کیست و بناست شما در کدام جبهه قرار داشته باشید و اصلاً می‌توانید از این دو جبهه خارج باشید؟ گاهی انسان خیال می‌کند «لا لی و لا علیه»؛ نه اینجا می‌روم، نه آنجا می‌روم. این خیالِ باطل است. گاهی سکوت انسان به نفع

یکی است، حرکت او به نفع یکی است، اخم او هم به نفع دیگری است. مگر می‌توانید خود را برکنار نگه دارید؟ پس بی‌طرفی امکان‌پذیر نیست. در جنگ «صقین» عده‌ای از اصحاب «عبدالله بن مسعود» خدمت امیرالمؤمنین آمدند و گفتند ما را به مرزها بفرست تا در آن جا کار کنیم؛ «اَنَا قَدْ شَكَّكْنَا فِي هَذَا الْقِتَالِ». احتیاط و پرهیز جلو امیرالمؤمنین؛ کسی که کوه تقوا و اصل معنای تقواست! او شمشیر به دستش گرفته و می‌جنگد، اما اینها احتیاط کردند که مبدا خلاف شرعی مرتکب شوند و برادران شامی خود را در جنگی بکشند! حالا که بناست بی‌طرف نباشیم، پس کدام طرف قرار می‌گیریم؟ یک طرف، کفر، استکبار و بوش و کمپانی‌های جهان‌خوار و کمپانی‌های نفتی و شرکت‌های تسلیحاتی هستند و امپراتوری عظیم خبری تلویزیونی و رادیویی و اینترنتی و امثال اینها پشت سرشان است؛ تجارت جهانی و بانک جهانی هم هست؛ و اینها همه پشتوانه‌های یک جبهه‌اند. در این جبهه، بی‌دینی‌ها و پُرویی‌ها وجود دارد و مزدوران‌شان هم هستند؛ چه مزدوران موسمی - مثل صدام و طالبان و امثال اینها - و چه مزدوران دائمی که من نمی‌خواهم از آنها اسم بیاورم. در طرف دیگر، کسانی هستند که از این وضعیت آسیب و ضرر می‌بینند؛ ملت‌هایی که سال‌های متمادی از دست همین‌ها عقب‌مانده نگه داشته شده‌اند و الان چوبش را می‌خورند، که من و شما از همین قبیل هستیم. بیست و پنج سال از انقلاب گذشته، عرق همه هم درآمده، از بس کار کرده‌اند؛ اما درعین حال این قدر عقب‌افتادگی داریم!

الان من به آقای استاندار می‌گفتم سیاست‌های خائنانه‌ی رژیم طاغوت کاری کرده بود که دشت قزوین اصلاً از دور اقتصادی خارج شود! از لحاظ اهمیت حاصل‌خیزی و خاک بسیار گران‌بها، ما در ایران چند دشت این‌طوری بیشتر نداریم؛ یکی دشت قزوین است، یکی دشت مغان است. اسرائیلی‌ها که با کشاورزی سروکار دارند، دشت قزوین چشمشان را گرفت؛ به این‌جا آمدند و شروع به کار و تحقیقات کردند. اگر معاذالله خدا به رژیم طاغوت عمر می‌داد تا چند سال دیگر بماند، این دشت قزوین می‌شد یک اسرائیل کوچک؛ دیگر کسی را هم راه نمی‌دادند؛ دور آن سیم خاردار می‌کشیدند و همان چیزهایی که آن‌جا از بیم فلسطینی‌ها با ترس و لرز می‌کارند و در عین حال صدور محصولات کشاورزی یکی از مهمترین صادرات رژیم صهیونیستی است، با خیال راحت و احیاناً با کارگر ارزان در این‌جا تولید می‌کردند؛ منتها زمینی که چندین برابر زمین‌های آن‌جاست. خدای متعال نگذاشت. در گذشته از این ضربه‌ها خیلی به ما خورد؛ از این کارهای بد در مملکت خیلی صورت گرفت؛ و در کشورهای دیگر، بعضی بیشتر از ما، بعضی به قدر ما، بعضی هم شاید کمتر از ما، همین کارها شده است. همه‌ی کسانی که از این وضع آسیب دیده‌اند، در جبهه‌ی دوم قرار دارند؛ منتها بعضی خودشان آگاهانه در این جبهه قرار دارند، بعضی نمی‌دانند و باید به آنها فهماند. اینکه می‌بینید من در دیدارهای خارجی غالباً به روشنفکران و علمای مسلمان خطاب می‌کنم، نظرم به این نکته است. من می‌خواهم

این احساس وجدانی روشن فکرِ مسلمانِ عرب یا هندی یا پاکستانی یا آفریقایی را در دل او برانگیزم تا بداند چه مسؤولیت سنگینی بر دوشش قرار دارد و به ملتِ خودش تفهیم کند و زمینه‌های انسجام و امید را در آنها به وجود آورد. خیلی‌ها هم این حقایق را می‌دانند. ملت ایران خیلی‌ها را بیدار کرده است.

... عزیزان من! آنهایی که می‌خواهند شما بنشینید، آنهایی که می‌خواهند شما از راه رفته‌ی انقلاب برگردید، آنهایی که می‌خواهند شما دوران امام و جنگ و مبارزه‌ی فداکارانه و ایثار را تقبیح کنید، می‌خواهند به ملت‌هایی که از ملت ایران تأثیر پذیرفته‌اند، تفهیم کنند که ملت ایران خودش پشیمان است. متأسفانه هر جا پای بدخواهان، کج فکran و ضعیف‌الروحیه‌ها به دنیای خارج رسید، همین اثر را هم گذاشت. البته ما بعد ترمیم کردیم. هر جا اینها رفتند خراب کردند، الحمدلله خدا کمک کرد، ما رفتیم دو برابرِ قبلش در آنجا برای انقلاب و روحیه‌ی انقلابی و ایمان انقلابی فرآورده درست کردیم. پس مطلب دوم این شد که هر روحانی دلسوز و بخصوص جوان، هندسه‌ی سیاسی و آرایش نیروهای سیاسی دنیا را درست بشناسد؛ ببیند امروز کی در مقابل کیست؛ آن‌گاه راه را پیدا می‌کند و می‌فهمد باید چه کار کند.

## نور جمهوری اسلامی در ظلمات ارض<sup>۵</sup>

جمهوری اسلامی خودش یک نور بزرگ است در این ظلمات ارض؛ چون مظهر ولایت اهل بیت و مظهر توحید الهی است. شما در زیارت امام رضا می‌خوانید: «السلام علیک یا نور الله فی ظلمات الأرض»، یعنی امام رضا نوری است در ظلمات زمین؛ این نور از قبیل این نورهای ظاهری نیست؛ بلکه نور هدایت است، نور معنویت است، نور تقرب الی الله است، نور محبت به خدا است. خب، وقتی که محور یک نظام، مثل امام رضا علیه‌السلام و مثل امام صادق علیه‌السلام شد، این نظام طبعا می‌شود همان مرکز نور؛ یعنی اینجا کانون نور می‌شود. حالا ماها در این نظام، ممکن است ظلماتی از خودمان بروز بدهیم...

اما این ظلمت‌هایی که بروز می‌کند، مغلوب آن نوری می‌شود که مال خود اصل نظام است؛ یعنی نظام نورش بر همه اینها فائق است.

---

۵ بیانات ۲۲ مرداد ۱۳۸۸

## تخلفات به کلیت نظام صدمه زده است<sup>۱</sup>

امروز دنیا، دنیای بدی است؛ دنیا، دنیای فاسدی است؛ دنیای گرسنگی است، دنیای تبعیض است، دنیای بی عدالتی است، دنیای زورگویی... است، دنیای حاکمیت بی قید و شرط سرمایه است؛ دنیا این طور است. فرق هم نمی کند؛ اروپا و آمریکا در این زمینه فرقی ندارند؛ کشورهای دیگری هم که در این سطح و در این حد و اندازه نیستند، به نحوی کمک کار این جریانند؛ یعنی دنیای سلطه است؛ دنیا تقسیم شده به سلطه گرو سلطه پذیر. در مقابل این دنیای بد و فاسد، یک نظامی سر بلند کرده و آن نظام جمهوری اسلامی است، آن انقلاب اسلامی است؛ شعارهایی... در بافت و ساخت اصلی این نظام وجود دارد. خب بله، گاهی اوقات تخلف می شود؛ در زمان پیغمبر هم گاهی اوقات می شد که کارهای خلافی انجام می گرفت، زمان امیرالمؤمنین هم همین جور؛ یک اشکالاتی وجود دارد، یک انحراف هایی وجود دارد. در این تردیدی نیست. اما این به کلیت نظام به هیچ وجه صدمه نمی زند؛ این نظام، یک نظام معترض است؛ معترض به این ساخت قدرت در دنیا، به این ساخت اجتماعات انسانی؛ یعنی به بی عدالتی معترض است، به ظلم معترض است، به فقر و گرسنگی معترض است. [نظام] ممکن است در کارهایی که می خواهد انجام بدهد و در آن

---

۱ بیانات ۲۸ دی ۱۳۹۶

راهی که در پیش گرفته، یکجاهایی را بد تشخیص بدهد، یکجاهایی را بد عمل بکند. اینها هست و در آن تردیدی نیست. اما آن هویت و ساخت اصلی را از بین نمی برد.

## بعثت جمهوری اسلامی در دل جاهلیت دنیا<sup>۱</sup>

شرایط قیام اسلام در این دوره، یک شرایط ویژه ای است. واقعا همان جور که پیغمبر اکرم در دل یک جاهلیت سختی مبعوث شد و اسلام را آورد، امروز با اینکه ظواهر قضیه [این است که] یک میلیارد و خرده ای مسلمان در دنیا هست، اما شرایط همان شرایط است؛ یعنی آمدن اسلام به عنوان یک مکتب - آنچنان که خدا خواسته بود، آنچنان که خدا نازل کرده - در این دنیای متراکم از جاهلیت، مثل این است که یک گلی یا یک سبزه ای، وسط سنگ بیرون بیاید؛ این جوری است؛ ما الان در یک چنین شرایطی قرار داریم. ظاهر قضایا نشان نمی دهد؛ آدم به ظواهر که نگاه کند، نشان نمی دهد. خب مردم متمدند، یعنی اهل فکرند، اهل مباحثه اند؛ اما شما ببینید، این لایه های استکبار به لایه های اقتصادی شان، لایه های تبلیغاتی شان، لایه های سیاسی شان چطور پشت در پشت داده اند! با یک روز و دو روز و ده روز هم تمام نمی شود. خب پیغمبر ده سال با اینها جنگید،

---

۱ بیانات ۲۲ مرداد ۱۳۸۸

بالاخره سال هشتم مکه فتح شد، طائف فتح شد، جزیره العرب تصرف شد، همان اعراب سنگدل سخت خشن هیچی نفهم، وارد وادی اسلام شدند؛ حالا بعضی بیشتر، بعضی کمتر.

اما امروز شما ببینید بعد از گذشت سی سال، تازه آن لایه های اصلی دشمنی ها دارد خودش را نشان می دهد؛ یعنی چیزهایی که ما ده سال پیش نداشتیم، پانزده سال پیش نداشتیم، حالا دارد به میدان می آید. با کمال قساوت، با کمال وقاحت به میدان آمده اند؛ با همه تجهیزات آمده اند وارد میدان شده اند. منتها خب نوع میدان فرق می کند، جبهه گیری ها تفاوت می کند؛ هدف همان هدف ها است؛ با یک انگیزه سخت، با یک نخوت، با یک تعصب، با یک عصبیت جاهلیت، همانجور که در قرآن هست، آمده اند وارد میدان شده اند، داریم مبارزه می کنیم... سالی که جنگ تمام شده بود. حالا یک سال یا دو سال بعد همه احساس راحتی می کردند؛ «همه» که می گویم، یعنی خیلی ها؛ خیلی ها از مسئولین و از بلندپایگان؛ [می گفتند] یک نفسی کشیدیم، حالا بپردازیم به زندگی اقتصادی و همین حرفها.

بنده همان وقت بارها در جلسات خصوصی هم گفتم، عمومی هم گفتم، گفتم جنگ تمام شد، [اما] مبارزه تمام نشده؛ شکل آسان تر مبارزه تمام شد که همه چیز مشخص بود، حق و باطل معلوم بود، [اما] تهاجم فرهنگی که

جنگ اصلی است، بعد از آن شروع شد و هنوز هم ادامه دارد؛ ولی ایستادگی‌ها کار خودش را می‌کند.

در هر بنایی ستون‌های اصلی‌ای باید وجود داشته باشد که هر چیزی را بشود به آنها متکی کرد و اگر یک جایی هم سست است، با تکیه به آن ستون بتواند سر پا بایستد. ستون‌های اصلی در جامعه بایستی محکم باشد.

ستون‌های اصلی چه کسانی‌اند؟ رئیس فلان اداره ستون اصلی است؟ نه؛ پیش‌نماز فلان مسجد لزوماً ستون اصلی است؟ نه؛ ستون اصلی، ایمان‌های آدم‌هایی است که صادقانه و از روی بصیرت، قضیه را فهمیده‌اند و پایش ایستاده‌اند؛ اینها ستون‌های اصلی‌اند و به نظر من بیشتر این ستون‌های اصلی هم در خانواده‌های شهدا و جانبازها پیدا می‌شوند. ممکن است خودشان هم ندانند چقدر اثر دارند، لکن خیلی اثرشان زیاد است. سستی‌ها، ضعف‌ها، تردیدها، به اینها که می‌رسد، باید مثل یک گردبادی باشد که به کوه می‌رسد؛ [گردباد] خار و خاشاک و خاک را جمع می‌کند، به کوه که می‌رسد، هر گردبادی تمام می‌شود.

باید مثل کوه بایستید؛ همین که در روایات هم هست: «المؤمن كالجبل الراسخ لا تحركه العواصف»؛ عواصف - یعنی همان گردبادها - تکانش نمی‌دهد... الحمدلله امروز در کشور کم هم نیستند؛ زیادند؛ در همه قشرها

هم هستند. جوانهایی هستند که این جوانها نه امام را دیده اند. چون خود دیدن امام، الهام بخش بود. نه اول انقلاب را دیده اند و آن هیجان ها و آن شور [را]... جوانهایی هستند که اینها را ندیدند اما الان جزو ستون هایند؛ یعنی بنده شهادت می دهیم؛ وقتی انسان می بیند اینها را، [می بیند ک] جزو آن ستون های محکمند؛ همیشه در هر نسلی به وجود دارند.

## انتقادی که مشّت به قلب رهبری است<sup>۱</sup>

بعضی از فیلم ها انتقادی است، انتقاد آنها برای من - که الان هر تلنگری به این نظام، مثل مشّت به «من» است، یعنی من احساسم نسبت به نظام، این است که هر گوشه ی نظام را شما یک تلنگر بزنید، مثل اینکه یک مشّت به «من» زده اید - ممکن است رنج آور باشد، اما از نفس انتقاد، مطلقاً رنج نمی برم و خوشم می آید، و من احساسم این است که این، روحیه ی مجموعه ی دستگاه است، حالا گیرم بعضی کم یا زیاد. بنابراین، انتقاد، ایرادی ندارد - که بعضی از دوستان، مطرح کردید - آن چیزی که مهم است، این است که احساس مسؤولیت بشود.

---

۱ بیانات ۲۵ خرداد ۱۳۸۵

## همگی در قبال مشکلات جمهوری اسلامی موظفیم<sup>۱</sup>

هر کدام از ما در هر جا که هستیم [باید] نگاه کنیم، انحرافها و مشکلات را بشناسیم و سعی کنیم آنها را در حد وسع و توان خودمان برطرف کنیم. هرکسی یک جور می تواند برطرف کند؛ شما یک جور می توانید کار کنید، من یک جور می توانم کار کنم... [چون] ساخت، ساخت بزرگ است. من این را نگاه کلان می بینم؛ من می گویم یک نظامی در دنیا به وجود آمده که تنها هم هست و ما در دنیا دومی نداریم؛ یک نظامی است که براساس توحید و براساس اسلام به وجود آمده و هدفش و شعارش و راهش عبارت از «اعتراض به وضع کنونی دنیا» است که وضع کنونی دنیا ظلم است، گرسنگی است، فساد اخلاقی است، فساد جنسی است، همجنس بازی است؛ می بینید که دنیا چقدر به سمت لجن دارد پیش می رود!

اما در مقابل این نظام جمهوری اسلامی است؛ این نظام را باید حفظ کرد، از تضعیفش بایستی به شدت خودداری کرد. اینکه من گفتم [هر تلنگری به نظام] کانه سیلی به من می زند بحث «نقد [نظام]» نیست؛ بحث سر عیب جویی های غیر منصفانه است؛ این مراد است، و الا بالاخره نقد را

---

۱ بیانات ۲۸ دی ۱۳۹۶

انسان می‌شنود و نقد چیز خوبی است و چیز بدی نیست اگر چنانچه واقعا منصفانه انجام بگیرد؛ اما بعضی‌ها بی‌انصافی می‌کنند نسبت به این نظام.

## متن را فدای حاشیه نکنیم<sup>۱</sup>

هیچ وقت نباید متن را فدای حاشیه کرد؛ حاشیه را نباید غلبه داد. یک روایتی هست که می‌گوید یکی از علل ناکامی‌ها و شکست‌های بنی اسرائیل در همان دوره‌های حضور بنی اسرائیل به این بود که اصول را رها می‌کردند، فروع را می‌چسبیدند.

[این] بلایی است که به جان ما هم در طول تاریخ، مکرر افتاده؛ شما می‌بینید دو نفر بر سر اینکه باید این دست را یک بار آب کشید یا دو بار آب کشید، به سر و کله هم می‌کوبند، اما حقیقت توحید و معنای توحید در جامعه دارد حذف می‌شود و از بین می‌رود، حساسیتشان برانگیخته نمی‌شود؛ از اینها ما هم در طول زمان داشته‌ایم.

الان هم در دوره انقلاب همین جور است؛ ما باید نگاه کنیم ببینیم اصل چیست؛ آن چیزی که تضمین‌کننده بقای اصل است، کدام است؛ آن را تشخیص بدهیم و به آن بچسبیم؛ حالا در حاشیه‌اش البته ریخت و

---

۱ بیانات ۲۲ مرداد ۱۳۸۸

پاش‌هایی هست، خطاهایی هست. نه اینکه خطا را بگوییم خطا نیست؛ نه، خلاف هم نمی‌خواهیم بگوییم، دروغ هم نمی‌خواهیم بگوییم؛ یعنی نمی‌خواهیم مصلحت را برحقیقت غلبه بدهیم. اما توجه کنیم که وزن این خطا چقدر است، وزن آن متن چقدر است؛ اینها را باید توجه کنیم. اگر اینها را توجه کنیم حل می‌شود.

## شناخت زبان و نیاز مخاطب به ویژه جوانان<sup>۱</sup>

نکته‌ی دیگر این است که زبان مخاطباتان را بدانید. از بس این حرف را تکرار کرده‌ام، نمی‌خواهم دوباره بگویم. اینجا شما حدود سی هزار دانشجو دارید. علاوه بر اینها، جوانان شهر شما هم با رادیو و تلویزیون و اینترنت و وسایل گوناگون ارتباطی سروکار دارند. جوان را باید قانع کرد؛ باید فهمید سؤال و استفهامش چیست؛ روی آن سؤال و استفهام کار کرد و آن را آماده داشت و به او داد.

---

۱ بیانات ۲۵ آذر ۱۳۸۲

## ضرورت بصیرت و دشمن‌شناسی برای روحانیت<sup>۱</sup>

خدا حجت را بر ما تمام کرده؛ این امکان، این زمینه. حرکت کنید پیش بروید. روحانی این زمان از این امکان باید حداکثر استفاده را بکند، با افکار جدید آشنا شوند، راه‌ها و شیوه‌های دشمن را بشناسند و به زمان خودشان عالم شوند؛ «الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَاِيسُ». درست مثل جبهه‌ی جنگ. شاید بسیاری از این جمع حاضر جبهه‌های جنگ را دیده باشند - حالا جوان‌ترها آن روزها را ندیده‌اند- در داخل جبهه‌ی جنگ، از اطراف گلوله‌ی توپخانه می‌آید، خمپاره می‌آید، انواع و اقسام آتش از اطراف می‌بارد و از بالای سر انسان رد می‌شود؛ به طوری که گاهی انسان جهت‌گیری را گم می‌کند؛ نمی‌داند این گلوله‌ای که دارد می‌آید، از طرف دشمن دارد می‌آید، یا از طرف دوست دارد مواضع دشمن را می‌کوبد. این خیلی خطر بزرگی است. برای یک رزمنده بزرگترین خطر این است که جهت‌گیری را گم کند؛ نداند دشمن کجاست، دوست کجاست. اگر ندانست دشمن کجاست و دوست کجاست، آن وقت ممکن است به طرف دوست آتش کند؛ به خیال اینکه دارد به طرف دشمن آتش می‌کند. اینها خیلی خطرناک است. بعضی از ما به طرف دوستانمان آتش می‌کنیم، خیال می‌کنیم به طرف دشمن داریم آتش

---

۱ بیانات ۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۸

می‌کنیم! بعضی از ما غفلت می‌کنیم از اینکه ایجاد اختلاف مذهبی، نقشه و طرح دشمن است برای اینکه ما را مشغول به خودمان کند. غفلت می‌کنیم؛ همه‌ی همت یک شیعه می‌شود کوبیدن سنی، همه‌ی همت یک سنی می‌شود کوبیدن شیعه. خوب، این خیلی تأسف‌آور است. و دشمن این را می‌خواهد.

## ضرورت کسب بصیرت برای مبلغان<sup>۱</sup>

امروز اگر جهان، یا لاقلاً جامعه خود را درست شناسیم، هرچه هم که آن موضوع را خوب بلد باشیم، نمی‌توانیم یک مبلغ خوب باشیم. باید بفهمیم این حرفی که ما می‌زنیم، به کجا ارتباط پیدا می‌کند؛ چه جناحی را در سطح جهان نه در سطح کشور تقویت می‌کند، چه جناحی را تضعیف می‌کند. مثل یک جبهه نبرد. یک وقت یک نفر انسان، با دشمنی مواجه می‌شود و می‌خواهد از خودش دفاع کند. این، یک طور دفاع است. یک وقت هم انسان در مجموع یک جبهه چند کیلومتری در سنگری قرار گرفته است و می‌خواهد دفاع کند. این دفاع، طور دیگر است. یک وقت باید به مصلحت جلو رفت، یک وقت هم باید به مصلحت عقب آمد. یک وقت انسان خیال

---

۱ بیانات ۱۳ اردیبهشت ۱۳۷۶

می‌کند که در حال حمله به دشمن است؛ اما ناگهان می‌بیند که به خودی  
تیراندازی می‌کند!

از اوّل تشکیل این نظام تا امروز، بعضی از افراد بودند و هستند که در گوشه و  
کنار می‌نشینند و زبان انتقادشان مرتّب روی این نظام و حقایق آن باز است.  
اشتباه اساسی آن‌ها این است که مثل کسانی هستند که در سنگرهای خود،  
خوابشان برده است؛ بعد که از اطراف جبهه پیشرفتهایی صورت گرفته است  
و عده‌ای رفته‌اند مواضع دشمن را آن جلو جلوها گرفته‌اند، این آقا حالا از  
خواب پا شده است و آن جایی را که خودی‌ها گرفته‌اند، زیر رگبار می‌گیرد؛ به  
خیال آن که دشمن آنجاست! آنجا، خودی‌هایند؛ اما این آقا خواب بوده و  
خبر ندارد! خواب ماندن در مسائل سیاسی، گاهی این طور نتایجی می‌دهد.  
تبلیغ، این قدر اهمیت پیدا می‌کند.

گاهی شنیده می‌شود که در گوشه و کنار، کسانی اظهاراتی می‌کنند و حرفهائی  
می‌زنند و بدون توجّه، به جایی ضربه وارد می‌کنند. این، بر اثر عدم توجّه به  
وضع و محاذات سیاسی دنیا و وضع و محاذات دوست و دشمن است.  
نمی‌دانند که جبهه خودی کجاست، جبهه دشمن کجاست. کافی نیست که  
ما چهارتا مسئله یاد بگیریم و بخواهیم آنها را بگوییم. گاهی بیان یک مسأله،  
شیوه خاصی دارد که اگر آن شیوه رعایت نشود، ممکن است ضربه وارد بیاید.

باید هوشیار بود. این، خصوصیت فضای اقامه دولت حق است. در فضایی که دولت حق قائم است، همه اهل حق، مسئولیتشان مضاعف می‌شود. وقتی که دولت و نظام اجتماعی بر اساس دین است، مسئولیت مبلغان دین مضاعف می‌شود. اساس همه اینها هم همانطور که عرض کردیم این است که دین و سیاست از هم منفک نیستند.

## شجاعت، هوشیاری و بصیرت سیاسی؛ از نیازمندی‌های مرزبانی<sup>۱</sup>

این مرزبانی، فقط شجاعت نمی‌خواهد؛ هوشیاری و بیداری و تحلیل سیاسی هم لازم دارد.

بعضی کسان هستند که به خاطر نداشتن فهم سیاسی و تحلیل سیاسی، در جهنم می‌افتند. البته یک عده هم به خاطر اغراضشان به جهنم می‌افتند؛ اما بعضی افراد، غرض چندانی هم ندارند، ولی به خاطر نفهمیدن و نداشتن بصیرت، در جهنم واقع می‌شوند. لذا امیرالمؤمنین در جنگ صفین فرمود: «الا ... لا يحمل هذا العلم الا اهل البصر و الصبر».<sup>۲</sup> این دو کلمه در کنار هم -بصیرت و پایداری- چه زیباست! اگر این دو با هم بودند، این پرچم

---

۱ بیانات ۱۳ اردیبهشت ۱۳۸۰

۲ نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۷۳

برافراشته خواهد ماند. یک نمونه‌اش عمّار یاسر بود و نمونه‌های فراوان دیگری نیز وجود دارد. امروز بصیرت - به تعبیر عرف رایج - همان تحلیل سیاسی و فهم سیاسی است. باید بفهمیم دشمن کجاست، دوست کجاست؛ دشمن کیست، دوست کیست. بسیاری از شما در دوران جنگ تحمیلی به جبهه رفته‌اید. گاهی انسان در واحدی نشسته، صدای توپخانه می‌آید. آدم‌هایی که ناواردند، اصلاً نمی‌دانند صدا از کدام طرف است و دشمن کجاست. اگر این آدم ناوارد را پشت توپ بگذارند و بگویند آتش کن، یک وقت می‌بینید که روی جبهه‌ی خودی آتش ریخت! می‌داند که عراق در غرب ایران است؛ اما آیا دشمن همیشه در غرب بود؟ گاهی در جنوب و گاهی در شمال بود. باید انسان بداند دشمن کجاست. وقتی که دانستید، راحت آتش می‌ریزید و به هدف می‌زنید؛ اما وقتی که شناختید، آتشتان روی سر خودی‌ها می‌ریزد. یک عده به خاطر عدم بصیرت و عدم فهم و عدم تشخیص، آتش را روی سر خودی‌ها می‌ریزند! امان از وقتی که این عدم فهم و عدم تشخیص، با برخی از اغراض و ضعف‌های اخلاقی توأم شود؛ که اگر شد، واویلاست! وظیفه، سنگین و کار، بزرگ است؛ اما در مقابل بحمدالله شما توانا و جوان و متراکمید؛ متفرق و پراکنده نیستید. حوزه‌های علمیه محل تجمّع و تراکم و مرکز اشاعند؛ بایستی نور خودشان را به همه‌ی مراکزی که به آن نور احتیاج دارند، بپاشند.

## نمونه ای از تلاش دشمن برای سوء استفاده از عالم بی بصیرت<sup>۱</sup>

ببینید، در قضیه ی حمایت از فلسطین -این یک مثالی است می خواهم بزنم- هیچ کشور و هیچ دولتی به گرد جمهوری اسلامی نرسید. این را همه ی دنیا تصدیق کردند. جوری شد که بعضی از کشورهای عربی از ناراحتی دادشان بلند شد، گفتند ایران دارد برای مقاصد خود اینجا تلاش می کند! البته فلسطینی ها به این حرف اعتنایی نکردند. از جمله در قضیه ی غزه -در این جنگ بیست و دو روزه ی چند ماه قبل- جمهوری اسلامی در همه ی سطوحش؛ از رهبری و ریاست جمهوری و مسئولین گوناگون و مردم و تظاهرات و پول و کمک و سپاه و غیره، همه در خدمت برادران فلسطینی مظلوم و مسلمان قرار گرفتند. در بحبوحه ی این حرفها، یک وقت دیدیم که ویروسی دارد تکثیر مثل می کند؛ دائم می روند پیش بعضی از بزرگان، بعضی از علماء، بعضی از محترمین، که آقا! شما دارید به کی کمک می کنید؛ اهل غزه ناصبی اند! ناصبی یعنی دشمن اهل بیت. یک عده هم باور کردند! دیدیم پیغام و پسغام که آقا، می گویند اینها ناصبی اند. گفتیم پناه بر خدا، لعنت خدا بر شیطان رجیم خبیث. در غزه مسجد الامام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب هست، مسجد الامام الحسین هست، چطور اینها ناصبی اند؟! بله،

---

<sup>۱</sup> همان

سنی‌اند؛ اما ناصبی؟! این جور حرف زدند، این جور اقدام کردند، این جور کار کردند. نقطه‌ی مقابلش هم هست: یک عده بلند شوند بروند قم، لابلای کتابهای شیعه را نگاه کنند، ببینند کجا اهانت به مقدسات اهل سنت است، از او عکس بگیرند، بیایند تو محافل سنی پخش کنند، ببینید آقا! این کتابهای شیعه است. یا یک گوینده‌ی نادان، غافل یا مغرضی روی منبر نسبت به مقدسات اهل سنت حرف مهم‌ل و بدی بزند؛ این را نوار کنند، سی‌دی کنند، بروند اینجا آنجا پخش کنند، بگویند ببینید آقا! این شیعه است. این را به او بدبین کنند، او را به این بدبین کنند. این معنایش چیست؟ «وَتَذَهَّبَ رِيحَكُمْ»<sup>۱</sup> یعنی چه؟ یعنی همین دیگر. وقتی اختلاف پیدا شد، وقتی تفرقه پیدا شد، وقتی نسبت به هم سوءظن وجود داشت، وقتی یکدیگر را خائن دانستیم، طبیعی است که باهم همکاری نخواهیم کرد. همکاری هم اگر بکنیم، باهم صمیمی نخواهیم بود. این همان چیزی است که آن دشمن دنبال اوست. هم عالم شیعه، هم عالم سنی، باید این را بفهمند؛ این را درک کنند. بدیهی است دوتا مذهب در برخی از اصول، در برخی از فروع باهم اختلاف دارند؛ البته در بسیاری هم باهم اتحاد دارند. اما اختلاف به معنای دشمنی نیست. فتاوای فقهای شیعه در مواردی صد و

---

۱ سوره انفال، آیه ۴۶

هشتاد درجه باهم اختلاف دارد. فتاوای ائمه‌ی اهل سنت در مواردی بسیار با همدیگر اختلاف دارد؛ اما لزومی ندارد وقتی اختلاف دارد، انسان به همدیگر بدگوئی کنند و فحش بدهند. خیلی خوب، او مذهبش این است، آن هم مذهبش این است. ...<sup>۱</sup> بله، اهل سنت همین است. یعنی هیچ‌کس نباید خیال کند که اهل بیت پیغمبر مخصوص و متعلق به شیعه‌اند؛ نه، مال همه‌ی دنیای اسلامند. چه کسی است که فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله‌علیها را قبول نداشته باشد؟ چه کسی است که حسنین علیهما‌السلام سیدا شباب اهل الجنّة را قبول نداشته باشد؟ چه کسی است که ائمه‌ی بزرگوار شیعه را قبول نداشته باشد؟ حالا یکی او را امام و واجب‌الاطاعة و مفروض الطاعة می‌داند، یکی نمی‌داند؛ اما قبولشان دارند. اینها حقایقی است، باید اینها را فهمید، باید اینها را نهادینه کرد. بعضی البته این را نمی‌فهمند، متحرک به تحریک دشمن می‌شوند. در حالی که خیال می‌کنند که کار درست را انجام می‌دهند. «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا. الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا»<sup>۲</sup>؛ خیال می‌کنند کار خوب می‌کنند، غافل از اینکه دارند برای دشمن کار می‌کنند. این خصوصیتِ زمان ماست.

---

۱ یکی از افراد حاضر در جلسه این شعر را قرائت کرد:

أَلِ التَّبِيِّ ذَرِيعَتِي / وَ هُم إِلِيهِ وَ سِلَّتِي / ارجو بهم اعطى غدا / بيد اليمين صحيفتي

۲ سوره كهف، آیه ۱۰۳ و ۱۰۴

## لزوم مقابله‌ی روحانیت با توطئه‌ی نفوذ دشمن در ذهن جوانان<sup>۱</sup>

از لحاظ عملی هم توجه به آن نکته‌ی اولی که عرض کردم؛ زمان، پیش رفته، تغییر زیاد شده، راه‌های نفوذ در ذهن جوانها زیاد شده. این راه‌ها را باید بشناسید و بخصوص باید مواجهه‌ی با دشمن را در حوزه‌ی تفکر و احساس جوانها اهمیت بدهید و بدانید که دشمن اولین نقطه‌ای را که مورد توجه قرار می‌دهد، آن نقطه‌ی فعال است که یکی از بخش‌های آن، عبارت است از نسل جوان؛ چون امید به نسل جوان است و سازنده‌ی آینده، نسل جوان است، لذا آنجا را دشمن هدف قرار می‌دهد. البته یکی از نقاط حساس هم علمای دین هستند؛ دشمن آنجا را هم به انواع مختلف و اشکال گوناگون هدف قرار می‌دهد. شاهدش هم همین فشارهایی است که وجود دارد و جناب آقای موسوی اشاره کردند که علمای کردستان در سالهای اول انقلاب چه فشارهایی را متحمل شدند و شهدای زیادی دادند - هفتاد نفر - که دیروز توفیق پیدا کردیم بر سر مزار بعضی از این شهیدان عزیز در گلزار شهدا حاضر شدیم، فاتحه‌ای برایشان قرائت کردیم. امیدواریم خداوند درجات شهدا را روز به روز عالی‌تر کند.

---

<sup>۱</sup> همان

## ضرورت موضع گیری حوزه در برابر استکبار<sup>۱</sup>

اگر ما به دین و تعمیق دین و ترویج دین و گسترش دینداری اهمیت می دهیم، باید دشمن این رویکرد را بشناسیم. کیست آن جایگاه و آن قدرتی که امروز از گسترش دین و تعمیق دینداری بیمناک است و با آن دشمن است؟ این نقطه عبارت است از استکبار، که در رأسش آمریکاست و فعال ترینش صهیونیست ها هستند؛ هم شبکه ی صهیونیستی، هم دولت جعلی صهیونیستی؛ اینها دشمن دینداری اند.

این مسئله ی قرآن سوزی را دست کم نگیرید، این مسئله ی کاریکاتورهای علیه نبی مکرم اسلام را دست کم نگیرید. البته شروعش از سلمان رشدی شد؛ اما قبل از او و بعد از او دستگاه عظیم فیلم سازی هالیوود و شرکت های هالیوودی برای اسلام ستیزی مأموریت پیدا کردند. آن وقت دنباله روهاشان در ایران می گویند جمهوری اسلامی توقع دارد که هنرمند با دستور عمل کند! شماها دارید با دستور عمل می کنید؛ به خیالتان ما نمی فهمیم؟! دستور است که علیه اسلام، علیه روحانیت، علیه قرآن، علیه تشرع و تدین فیلم بسازند، فضلاً از انقلاب اسلامی؛ که خوب، خیلی واضح علیه انقلاب اسلامی می سازند و می گویند؛ اینها دشمنند.

---

۱ بیانات ۲ آبان ۱۳۸۹

دشمنِ رویکرد دینداری و دین‌پذیری و اعتقاد به دین و گسترش این معنا عبارت است از استکبار. حوزه در مقابل استکبار نمی‌تواند ساکت بماند؛ این را من عرض بکنم. حوزه در مقابل استکبار همیشه باید موضع داشته باشد.

## شناخت اقدامات مفید برای دشمن؛ از مهمترین نمونه‌های بصیرت<sup>۱</sup>

از مهمترین نمونه‌های بصیرت این است که ببینیم کدام کار ممکن است از ما سر بزند که این کمک به آن دشمن باشد؛ حواسمان باشد. بزرگان و کوچکان حوزه فرق نمی‌کند، همه باید مواظب باشند. گاهی یک حرف، یک عمل، یک اقدام، یک حرکت به نفع آن دشمن است. ما به این قصد انجام نمی‌دهیم، اما بعضی از چیزها تابع قصد نیست؛ اثر خودش را می‌بخشد. وقتی تیری از لوله‌ی تفنگ شلیک شد و به سینه‌ی طرف خورد، خوب، طرف می‌افتد می‌میرد؛ حالا شما چه عامد باشید، چه مخطی؛ فرق نمی‌کند. تأثیر این تیر در سینه‌ی او متوقف به این نیست که شما عمد داشته باشید. باید مواظب باشید خطا نکنید. در یک چنین چیزی، برای خطاکننده هم

---

۱ همان

مجازات قرار داده‌اند. بنابراین باید مراقب بود کمک نشود. علاوه بر اینکه کمک نشود، بایستی با آن مبارزه شود.

## **دلیل افزایش دشمنی‌ها؛ وجود حاکمیت اسلام در ایران<sup>۱</sup>**

حرف با شما خیلی داریم. برای علماء و بخصوص برای طلاب جوان خیلی حرف گفتنی هست؛ منتها مجال‌ها کم است... اجمالاً بدانید که امروز دشمنی با اسلام از گذشته جدی‌تر است، دلیل آن هم وجود حاکمیت اسلام در اینجاست. از حاکمیت اسلام، از پرچم برافراشته‌ی اسلام در ایران، احساس خطر می‌کنند. این پرچم را باید محکم نگه دارید. این حاکمیت را باید همه قدر بدانند. هرکه به اسلام علاقه‌مند است، هرکه به قرآن معتقد است، باید این حاکمیت را قدر بدانند. این، هدف و جهت کلی است.

---

<sup>۱</sup> همان



یک عده به جمهوری اسلامی اعتراض می‌کنند؛ چون در فلان جا و فلان جا بد عمل کرده است. انسان نگاه می‌کند، می‌بیند راست می‌گویند؛ در این ده جایی که آنها می‌شمرند، جمهوری اسلامی واقعاً خوب عمل نکرده، یا ضعیف عمل کرده، یا غلط عمل کرده، یا یک نفر غرض‌ورزی کرده است. کسی که این ده نقطه را پیدا کرده، ممکن است به خودش حق بدهد که با این ده اشتباه به این بزرگی، دیگر چه تعهدی در مقابل این جمهوری اسلامی دارد. خطا اینجاست. گفت: «سخن‌شناس نه‌ای دلبر، خطا اینجاست». خطا اینجاست که شما باید موضع‌گیری را نسبت به جمهوری اسلامی بر دو اصل حتمی استوار کنید:

الف) جمع بندی نقاط مثبت و منفی  
ب) داشتن موضع بین نظام اسلامی و دشمنانش

۲۵ آذر ۱۳۸۲

